



صفحه ۲

فاجعه حمله به سوریه

و طنز مسخره آمریکا در نقش رهبر اخلاق!

آذر ماجدی



بالکیس ملهم
نویسنده سعودی

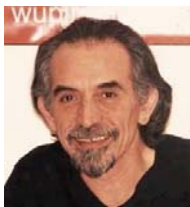
از دیگر قربانیان تروریسم اسلامی

نامه ای از ایران:

خشونت علیه زنان ننگ جامعه بشری است!

صفحه ۴

پروین احمدزاده



صفحه ۵

برزیل:

اعتراض علیه فقر و فساد دولتی، برای یک جامعه بهتر

سیاوش دانشور



"سوشمیتا بانرجی"

نویسنده سرشناس افغانستان

که توسط نیروهای طالبان ترور شد!

راهپیمائی هزاران کارگر در کامبوج

آذر ماجدی



دختر ۸ ساله یمنی که مانند برده توسط مردی ۴۰ ساله خریداری شد

و در شب اول با تجاوز کشته شد!

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



فاجعه حمله به سوریه و طنز مسخره آمریکا در نقش رهبر اخلاق!

آذر ماجدی

نگاه داشته شود.

مانعت از جنگ، بحث بر سر اینکه چه کسی مقصر است، نیست. هر طرف مقصر باشد، این جنگ هیچگونه مشروعیت انسانی ندارد. اثبات اینکه چه کسی دست به این جنایت هولناک زده است، کاری است پیچیده. هر دو طرف دروغ می گویند و از یک ماشین عظیم دروغ پراکنی و تبلیغات جنگی برخوردارند. مساله اینجاست که هر دو جریان از ظرفیت و امکانات مادی انجام اینکار ضد انسانی بر خوردارند. لذا اینکه چه کسی دست به این جنایت هولناک زده است، در شرایط حاضر نقش تعیین کننده ای در تحولات سوریه بازی نمی کند؛ دو نیروی ارتجاعی با یکدیگر می جنگند و از مردم قربانی می گیرند، انتظار هر جنایتی را در چنین شرایطی می توان و باید داشت. مساله بر سر اینست که آیا این حمله شیمیایی را باید بعنوان دلیلی برای حمله ناتو به سوریه پذیرفت یا خیر؟

حتی اگر فرض کنیم که دولتهای غربی، لیگ عرب و ترکیه با نیاتی کاملا انسانی دارند این جنگ را سازمان می دهند، باز یک پاسخ انسانی به مدافعین حمله به سوریه چه یک حمله صرفا هوایی یا هوایی و زمینی، اینست که حمله نظامی نه تنها کمکی به مردم سوریه نخواهد کرد، بلکه تعداد بسیار بیشتری را قربانی خواهد گرفت و این سناریوی سیاهی که بر سرنوشت سوریه تحمیل شده است را تیره تر و طولانی تر خواهد کرد. توجیه دولت آمریکا، فرانسه و مدافعین حمله به سوریه مسخره است: برای مجازات اسد باید مردم سوریه را بمباران کرد! این دلیل آنچنان پوچ است که در مقابل ساده ترین استدلالات مخالف نیز تاب نمی آورد. ما باید صریحا

صفحه ۳

سوریه نزدیک به دو سال است که در آتش یک جنگ داخلی می سوزد. گفته می شود بیش از صد هزار نفر طی این جنگ کشته و بیش از دو میلیون نفر به کشورهای مجاور پناهنده شده اند. بدنبال مردم تونس، مصر و لیبی، مردم سوریه برای آزادی، عدالت و یک زندگی بهتر به خیابانها آمدند. دولت بشار الاسد وحشیانه اعتراضات مردم را سرکوب کرد. در سوریه نیز مانند لیبی اعتراضات خیابانی مردم سرریعا توسط جنگ مسلحانه حاشیه ای شد. آتش جنگ مسلحانه بالا کشید و به یک جنگ داخلی بدل شد. مانند لیبی دولتهای منطقه و غرب در دامن زدن به جنگ داخلی نقشی تعیین کننده داشته اند. لیگ عرب، دولت ترکیه، آمریکا و اروپا اکنون دو سال است که از یک قطب ارتجاعی دیگر در مقابل حکومت اسد دفاع می کنند و می کوشند که حکومت سرکوب اسد را با یک آلترناتیو ارتجاعی دیگر شامل جریانات اسلامی از جمله اخوان المسلمین و الجهادیست که ظاهرا شاخه ای از القاعده است، جانشین کنند. تلاش برای دخالت مستقیم ناتو موفقیت آمیز نبوده است. اما حمله شیمیایی در دمشق آن بهانه ای را که بدنبالش می گشتند در اختیارشان گذاشت.

حمله شیمیایی خط قرمز یا یک بهانه!
باراک اوباما اعلام کرده است که حمله شیمیایی نزد او خط قرمز است و دولت اسد از این خط قرمز عبور کرده است! مباحث بر سر اینکه چه کسی این حمله را انجام داده، دولت اسد یا اپوزیسیون مسلح؟ موضوع اصلی مباحث ژورنالیستی است. اما باید توجه داشت که در مجادله برای

در دوازدهمین سالگرد فاجعه ۱۱ سپتامبر، جهان با اضطراب در انتظار یک فاجعه تروریستی دیگر است. اما تفاوت در اینجاست که اگر واقعه ۱۱ سپتامبر یک واقعه غیر منتظره بود، آنچه در پیش است دارد توسط تروریسم دولتی در روز روشن، در سفرهای دیپلماتیک و در مجامع بین المللی طرح ریزی می شود. باسم اعتراض به "کشتار مردم توسط بمب شیمیایی" قرار است صدها تن بمب از آسمان بر شهر نیمه ویران دمشق، بر روی خانه های هنوز فرو نریخته و انسانهای ناتوان از گریز از کشور، ریخته شود. باسم مجازات بشار الاسد که گویی از "خط قرمز" عبور کرده است، قرار است هزاران تن دیگر کشته و معلول شوند. این منطق مسخره تروریسم دولتی برای راه انداختن یک جنگ خانمان برانداز، یک نسل کشی دیگر است. ده سال پس از حمله به عراق، تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا و با نقش فعال اسرائیل دارد نقشه یک جنگ دیگر را در منطقه می ریزد. یک میلیون کشته در عراق ظاهرا کافی نیست؛ تبدیل عراق به یک گورستان بزرگ، تکه تکه کردن یک جامعه به سکت های مختلف که هر روز بمبی دم درشان و زیر ماشین شان به هوا می رود، هنوز نتوانسته است هدف این قطب تروریستی را تامین کند. با کمال وقاحت از خط قرمز صحبت می کنند، و به روی خویش هم نمی آورند که در سال ۲۰۰۳ چگونه با پاشیدن اورانیوم نقصان یافته عراق را مسموم کردند و در سال ۲۰۰۴ فسفر سفید بر سر مردم عراق ریختند، کودکان ناقص و بیماری سرطان حاصل این بمباران های شیمیایی دامن دو سه نسل دیگر را نیز خواهد گرفت. از نظر تروریسم دولتی، آتش جنگ و بحران در منطقه باید شعله ور

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

برملا شده است که صدام حسین را ترغیب به حمله شیمیایی به ایران کرده است. با این کارنامه سخن از خط قرمز مسخره و پوچ است.

مردم سوریه قربانی دو قطب ارتجاعی و تروریستی قرار گرفته اند. در یک سو دولت بشار الاسد، یک حکومت سرکوبگر و جنایتکار قرار دارد که با همکاری و پشتیبانی تروریسم اسلامی بسرکردگی رژیم اسلامی و دخالت حزب الله و حمایت روسیه و چین مردم را سرکوب و بمباران می کند؛ در سوی دیگر نیروهای ارتجاعی، اسلامی، با حمایت کامل لیگ عرب، ترکیه و تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا و دخالت اسرائیل قرار دارند. جنگ این دو قطب از مردم قربانی می گیرد و زندگی مردم را ویران می کند. بشریت متمدن و آزادیخواه و انساندوست باید در مقابل هر دو قطب قد علم کند و به حمایت مردم و نیروهای که در محل برای دستیابی به یک زندگی بهتر، انسانی تر و آزادتر تلاش و مبارزه می کنند، بشتابد. دوازده سال پس از یازده سپتامبر این فراخوان تاریخی منصور حکمت هنوز پابرجاست و حقانیت خود را بارها و بارها و یکبار دیگر در آستانه حمله به سوریه باثبات رسانده است.*

فاجعه حمله به سوریه

و طنز مسخره آمریکا در نقش رهبر اخلاق!

...

اعلام کنیم که نه حمله شیمیایی و نه هیچ حمله دیگری بمباران سوریه را توجیه نمی کند.

آمریکا و بلندبهای اخلاقی!

هیچ چیز مضحک تر، ریاکارانه تر و پوچتر از قرار گرفتن هیات حاکمه آمریکا بر بلندبهای اخلاقی نیست. این شرایط وارونه دنیای تحت حاکمیت سرمایه داری و دو قطب تروریستی است که به آمریکا امکان و اجازه می دهد تا بعنوان رهبر اخلاقی جهان ظاهر شود. یک ماشین پیچیده مهندسی افکار و دستگاه سازمان یافته ایدئولوژیک بکار افتاده است تا این دنیای وارونه را به خورد مردم دهد. آیا این صرفاً یک ادعای "ضد امپریالیستی" نیست؟ خیر، این حقیقتی است که بر فاکت های تلخ تاریخی استوار است. هیات حاکمه آمریکا تنها حکومتی است که بمب اتمی بر سر مردم ریخته است: در سال ۱۹۴۵ بر هیروشیما و ناکازاکی در ژاپن. آمریکا طی سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۴ مردم ژاپن را زیر بمباران ناپالم گرفته است. آمریکا طی سالهای ۱۹۶۲-۷۱ حدود ۸۰ میلیون لیتر مواد شیمیایی بر سر مردم ویتنام ریخته است، تأثیرات بمباران شیمیایی در ویتنام هنوز ۴۰ سال پس از پایان جنگ از میان نرفته است. بعلاوه، ارتش آمریکا در دهه ۵۰ میلادی مواد شیمیایی را بر روی مردم فقیر و سیاه پوست سنت لوئیس در آمریکا آزمایش کرده و اخیراً



جنایات اسلام و جنبش اسلامی!

در هفته اخیر خبر کشته شدن دوزن و یک دختر بچه در منطقه اسلامزده منتشر شد. اینها قربانیان اسلام و جنبش سیاه اسلامیند. اسلام یک ایدئولوژی سیاه، ارتجاعی و زن ستیز است. جنبش اسلامی با تکیه به ترور و ارباب به حیات کثیف خود ادامه می دهد. باید این جنبش. ایدئولوژی را به حاشیه جامعه راند.

یک فاجعه دردناک در یمن به قتل فجیع یک دختر بچه ۸ ساله منجر شد. یک دختر ۸ ساله را در یمن بازدواج یک مرد ۴۰ ساله در می آورند، در شب باصطلاح زفاف، این دختر بعزت تجاوز و آزار جنسی جان می بازد!



سوشمیتا بانرجی، نویسنده ای که کتابی در مورد فرار خود از دست طالبان در دهه ۹۰ میلادی نوشته و فیلمی هم بر مبنای این کتاب ساخته شده است توسط طالبان ترور شد.



بالکیس ملهم یک زن نویسنده عربستان سعودی، مادر ۵ فرزند بخاطر مقالاتی که تندروی و قشریگری اسلامی را نقد می کرد، توسط برادرانش بقتل رسید. مقامات مرگ بالکیس را طبیعی خواندند.

اسلام ضد زن است!

نامه ای از تهران

خشونت علیه زنان نگ جامعه بشری است!

پروین احمدزاده

خفته کردن زنان، آزار جسمی دیگری است که کودکان از آن وحشت دارند. زندگی این دختران بعد از ازدواج را هم که همه حکایتش را می دانیم. در شهرهای بزرگ مثل تهران و اصفهان و ... خشونت به شکل دیگری اعمال میشود، صیغه موقت یک مورد این خشونت است!

من امشب می خواهم زن بودنم را فریاد بزنم آنقدر که به عرش و به گوش خدا و محمد برسد که ادعا میکنند در آفرینش من را از دنده چپ مرد آفریده اند! انگشت اتهام را باید بسوی مذهب و بخصوص بسوی پیامبر اسلام محمد بکشم که زن را کنیز قرار داد و ارزش او را نصف مرد شمرد. همانی که ارث زن را یک هشتم مرد تعیین کرد و به مرد این حق را داد که در صورت نافرمانی زن او را "به آرامی" تازیانه بزند. من می خواهم فریاد بر سر مردان به اصطلاح موسوم به "روشنفکر کرد، فارس، عرب و ترک" و غیره بزنم که وقتی پای منافع حقیرشان به میان میرسد به این قانونهای ارتجاعی علیه زنان پناه میبرند و از آن استفاده می کنند. می خواهم آنقدر فریاد بزنم که تمامی مادرانی که فرزند دختر می زایند باور کنند که دخترشان را ارج بگذارند و در مقابل هر نوع خشونت علیه دختران بایستند. برادرانی که میتوانند خواهرهایشان را احترام بگذارند و به آنها عشق بورزند و پدرانی که آغوش گرمشان حامی فرزندشان باشد. همسرانی که عشقشان فریب نباشد.

من نه فمینیسم و نه ضد مرد، من فقط یک زنم، زنی که گرچه جسم مانند "بناز" قطعه قطعه نشده ولی شاید این نابرابریها روانم را قطعه قطعه کرده باشد. فریادم را اول باید زنان بشنوند که آنقدر قوی و محکم باشیم که هیچ پدری، هیچ پسری، و هیچ شوهری جرات خشونت علیه زنان را نداشته باشد. من در پی آنم هر دینی، هر سنتی و هر فرهنگی که زن را در قفل و زنجیر می کشد، بشکنم و آزادی زن را فارغ از هر ستمی بنا نهم. خشونت علیه زنان لکه ننگ بر پیکر جامعه بشری است!

تهران ۴ شهریور ۱۳۹۲

بدون اطلاع به پزشک قانونی اجازه خاک کردنش را صادر کرده بوده و فوراً هم دفن میکنند. آن زمان نامزدش به نیروی انتظامی محل اطلاع داده بود، اما طبق قانون اسلامی دیه به اولیای دم می رسد و باعث پیگیری نشدن، خون به ناحق ریخته این دختر که فامیلش خسروی بود شد. مجلس ختمی هم برایش گرفته نشد و اشکی هم ریخته نشد.

خود سوزی های متعدد نورووسان معضل دیگر این منطقه بود. دخترانی که زیر فشار خودسوزی میکردند و بعضاً با ۸۰ درصد سوختگی به بیمارستان منتقل میشدند. لباس محلی شان را با هزار زحمت از گوشت و پوست جدا می کردند اما سه روز بعد به علت شدت جراحات و نبود امکانات لازم فوت می شدند. هیچ قانونی از این قربانیان حمایت نمیکرد و حتی توسط خانواده ها هم حمایت نمیشدند.

در جوامع روستایی و بخصوص مناطق کردنشین که من مدت زیادی با آنها در ارتباط کاری بودم خشونت بر علیه زنان بشکل عریان و بیشرمانه ای وجود دارد. از زمان تولد کودک که نامهای دختر را بسه و کافیه را بر آنان می گذارند، از زمان کودکی در مزارع و باغها و گله داری از آنها کار می کشند. از پدر گرفته تا مادر و برادر بزرگتر خود را محق می دانند که هر خشونت را بر علیه این کودکان انجام دهند. این خشونتها از زنان کرد، زنان زحمتکش مطیع بدون اعتماد به نفس و ظلم پذیری می سازد. به طوری که در شهر پاوه در زایشگاه زمان زایمان وقتی درد زایمان را می کشند جیغ نمی زنند، آری احساس درد هم در گلو خفه می گردد. طبق سنت کثیف اسلامی

ساعت ۱۱ شب است. تلویزیون روشن است. یکی از شبکه های ماهواره ای فیلمی را در مورد زندگی و مرگ دختری از یک خانواده مهاجر مقیم انگلستان به اسم "بناز" نشان میدهد. زنی که توسط پدر و عمویش به شکل بی رحمانه ای به قتل رسیده است. غم انگیزتر از هر چیز این زن جوان در انگلیس به قتل رسیده که انتظار می رود بعد از شکایتش به پلیس مورد حمایت قرار می گرفت. آخر او چندین بار جهت گرفتن حمایت به پلیس مراجعه کرده بود. ابتدا نمی خواستم این فیلم را ببینم چون اعصابم را خرد و تحریک می کرد، اما چیزهایی در زندگی انسان هست که باعث شدند جدا از اینکه به تماشا نشستم بلکه من را وا میدارد که این مطالب را هم بنویسم. از حقایق دیگر روزانه و از جنایتهایی که در جایی به ثبت نرسیده است.

شاید انسان بودنم و یا زن بودنم، شاید "جهان سومی" بودنم باعث شدند امشب من هم گوشه ای کوچک از خشونت علیه زنان را یاد آور شوم. شاید درک شرایط حاکم بر این خانواده ها باعث می شود که من هم این خشونتها را با گوشت و پوستم احساس کنم. از خاطرات کودکی و محیط زندگی، محیط کار و رابطه تنگاتنگ با این بخش زیر فشار و تعدی من را وا میدارد که صدایم را بلند کنم و درد را بنویسم.

من با زنان در مناطق کرد نشین از کرمانشاه گرفته تا شهرهای کوچک آن و تا روستاهای دور افتاده زندگی کرده ام. قتل دختر ۱۸ ساله روستای باینگان در نزدیکی شهر پاوه را دیده ام. دختری که به جرم عاشق شدن و ازدواج بدون اجازه با مرد مورد علاقه اش در سال ۱۳۷۴ توسط پدر و برادرش که هر دو پاسدار بودند کشته شد. بعد اعلام کردند که از پشت بام سقوط کرده و شبانه هم توسط پائینترین کارمند بهداری به اسم بهروز که جزو نیروی بومی بود

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!



یورش برد و به این ترتیب همه جا درگیری تظاهرکنندگان با نیروهای دولتی



آغاز شد.



تمام روز شنبه تا پاسی از نیمه شب درگیریها در شهرهای مختلف ادامه داشت. در سانوپولو و ریودوژانیرو ابعاد درگیریها گسترده تر و طولانی تر شد. پلیس صدها نفر را دستگیر کرد، دهها نفر را زخمی کرد و یک نفر را بقتل رساند.

They can kill my body but they never will kill my idea of a fair and better country.
mkenobi

پلیس اعتراض 7 سپتامبر در برزیل را وحشیانه سرکوب کرد اما نفرت مردم از وضع موجود را عمیق تر کرد. اعتراض در برزیل مجددا شعله ور میشود. جنگ برسر آزادی و رفاه و یک دنیای بهتر تازه آغاز شده است.*

برزیل: اعتراض علیه فقر و فساد دولتی، برای یک جامعه بهتر

سیاوش دانشپور

فقر و تبعیض و سرکوب پلیسی به تنگ آمده اند. برزیل و ترکیه از این نظر به هم شبیه اند. در این کشورها اعتراض علیه سرمایه داری و مشخصا تفاوت های طبقاتی یک المنت قوی است.

در روز "استقلال برزیل" و بموازات جشن و کارناوال دولتی، مردم ناراضی و نسل جوان در دهها شهر برزیل علیه



فساد دولتی، علیه تبعیض آشکار میان شهروندان در برخورداری از حقوق پایه ای مانند؛ حق آموزش، حق سلامتی، برخورداری از امنیت اجتماعی، مسئله ترانسپورت، و خواست رفاه اجتماعی دست به اعتراض و تظاهرات زدند. این تظاهراتها و اعتراضات با سرکوب خشن پلیس روبرو شد. نیروهای سرکوب که بدلیل مراسم روز استقلال سراسر کشور را



پلیسی کرده بودند و در جاهای حساس مستقر بودند، مانع شدند که تظاهراتهای مخالفین بهم بپیوندد. پلیس بدون وقفه و وحشیانه با گاز اشک آور، گلوله، باتوم، ماشین آب پاش و سگ به صف مخالفین

روز شنبه ۷ سپتامبر روز "استقلال برزیل" است. در حالی که سرمایه داری با پرچم ناسیونالیسم جشن روز "استقلال" راه انداخته است، مردم کارگر و زحمتکش معترض به فقر و فساد وسیع دولتی برای یک جامعه بهتر فریاد میزنند. بطور کلی، این دو افق تماما متفاوت دو طبقه اصلی جامعه برزیل است. بورژوازی برزیل که تازه به میدان رقابت جهانی آمده و میخواید الگوی رشد کشورهای آمریکای لاتین باشد، و طبقه کارگر و مردم محرومی که از رفاه و رشد اقتصادی چیزی عایدش نشده و ساختن یک جامعه بهتر را ضروری و ممکن میدانند.



برزیل کشوری نیست که مانند اسلافس در بحران و ورشکستگی اقتصادی غرق باشد و پیامدهای بحران اقتصادی کمر مردم را شکسته باشد. برزیل کشوری است که اتفاقا روی دوش تحمیل فقر و تبعیض و استثمار



شدید توانسته است رشد اقتصادی جهشی داشته باشد و به یکی از کشورهای قدرتمند و نوظهور اقتصادی تبدیل شود. مردم کارگر و زحمتکش که بخش عظیمی از جمعیت برزیل را بخود اختصاص میدهند، بسادگی سهمشان را از رفاه و آزادی نخواهند و از

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

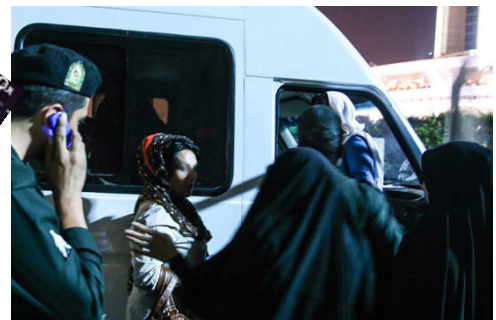


تشدید جنگ حجاب! مقابله مردم با اوباش "امر به معروف"

در دور جدید حملات اوباش اسلامی در "دولت تدبیر و امید" موارد بسیاری از درگیری مردم با ارازل و اوباش اسلامی امر به معروف گزارش شده است. از جمله کتک زدن نماینده مجلس خبرگان در بابل. فرار این اوباش از دست مردم دارد بتدریج به یک امر عادی در جامعه بدل می شود.



حاج آقای کتک خورده



تلویزیون آزادی زن

تلویزیون مدوسا برنامه ای از آذر ماجدی

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

هر یکشنبه ساعت ۱۸،۳۰
بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت:

۲۷۵۰۰

کانال: KM TV

به دوستانتان اطلاع دهید!

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!



هزاران کارگر در شهر پنوم پن پایتخت کامبوج در اعتراض به اخراج همکارانشان دست به راهپیمایی زدند!

آذر ماجدی



با وجود اینکه این رقم بسیار پایین و شرایط کار کارگران پوشاک بسیار ناامن و سخت است، اما بعلت سازماندهی بهتر کارگران، وضعیت کارگران صنعت پوشاک

بمراتب از همکارانشان در کشورهای دیگر بویژه بنگلادش بهتر است.

یکی از رهبران کارگری بخش پوشاک بنگلادش در این هفته به انگلستان رفته است تا مساله افزایش دستمزد کارگران پوشاک را هم در کنفرانس سالیانه کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان (تی یو سی) مطرح کند و هم در هفته مد لندن.

۵ ماه از تراژدی ریزش ساختمان کارخانه پوشاک در داکا که موجب مرگ بیش از ۱۰۰۰ کارگر و مجروح و معلول شدن بسیاری دیگر شد، میگذرد ولی هنوز هیچیک از قول و قرارهای کمپانی های بین المللی متحقق نشده است و خسارتی نیز به کارگران آسیب دیده یا خانواده های کشته شدگان پرداخت نشده است.

صاحب کارخانه پوشاک اس ال که مرکز آن در سنگاپور است، روز چهارشنبه ۴ سپتامبر، در شهر پنوم پن پایتخت کامبوج، ۷۲۰ کارگر را اخراج و ۵۰۰۰ کارگر را که بمدت دو هفته برای افزایش دستمزد اعتصاب کرده بودند، تعلیق نمود.

این کارخانه برای شرکتهای "گپ" و "اچ اند ام" لباس تولید می کند. در اعتراض باین اقدام حدود ۴۰۰۰ کارگر پوشاک روز پنجشنبه ۵ سپتامبر در شهر پنوم پن دست به راهپیمایی زدند. کارگران معترض ۱۰ کیلومتر از محل کارخانه تا شهرداری را پیاده پیمودند و رهبر سندیکا در مقابل شهرداری اعلام کرد که "کارگران باید به سر کار بازگردند، اما در صورتیکه صاحبان کارخانه بخواهند کارخانه را تعطیل کنند باید به کارگران خسارت پرداخت شود."

یکی از صاحبان کامبوجی کارخانه اعلام کرد که "اعتصاب غیرقانونی بوده است و این کارگران نمی توانند به سر کار بازگردند." بدنبال ادامه مبارزه و اعتراض کارگران، صاحب کارخانه مجبور به لغو تصمیم قبلی خود مبنی بر اخراج و تعلیق کارگران شد.

این صنعت چندین میلیارد دلار سود تولید می کند و ۶۵۰ هزار کارگر را در استخدام دارد. در حال حاضر کارگران با اضافه کاری می توانند حداکثر ۱۱۰ دلار در ماه درآمد داشته باشند.

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!



خانه مدوسا،

دفتر سازمان آزادی زن در گوتنبرگ سوئد!

دفتر سازمان آزادی زن مکان مبارزه در جهت آزادی انسان، صرف نظر از جنسیت، مذهب و ملیت است. ما برای برابری کامل زنان و علیه هرگونه تبعیض مبارزه می کنیم. ما به دختران جوان و زنان کمک می کنیم تا در جهت ارتقای اعتماد بنفس خود و دستیابی به یک زندگی بهتر تلاش کنند.

خانه مدوسا مکانی است برای ملاقات پناهندگان جدید که تلاش می کنند با مسائل و معضلات خود از موضع یک شهروند سوئدی برخورد کرده و شرایط رشد و پیشرفت خود را در جامعه جدید فراهم کنند.

شما در خانه مدوسا امکان دستیابی به کلاسهای درسی متفاوت را خواهید داشت. در خانه مدوسا امکان ملاقات با فعالین سیاسی اجتماعی و شرکت در سمینارها و کنفرانسهای مختلف نیز موجود است.

برای اینکه بتوانید اطلاعات خود را در عرصه های متفاوت سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و علمی بالا ببرید حتما به خانه مدوسا مراجعه کنید.

تلفن اضطراری خانه مدوسا برای همه زنانی که مورد خشونت قرار می گیرند در دسترس است: 0737262622.

این امکانات بخشاً با همکاری اتحادیه آموزشی کارگران سوئد و کمک فعالین عرصه برابری زن و مرد صورت میگیرد.

برای اطلاعات بیشتر با تلفن 0709356418 تماس بگیرید



محل خانه مدوسا
Linné gatan 21
Göteborg
Viktoriahuset
Tel. 0737262622



پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو

باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایانتان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

به سازمان آزادی زن بپیوندید!